



حزب حکمتیست کارگری - حکمتیست

۲۴ دی ۱۳۸۹
۱۴ ژانویه ۲۰۱۱

حزب حکمتیست
ایران، اسرائیل و
تروریسم دولتی

تا کنون چند فیزیک دان ایرانی در تهران ترور شده اند. ۲۲ نیمه ۱۳۸۸ مسعود علی محمدی استاد فیزیک دانشگاه تهران در اثر انفجار بمب کشته شد. در هشتم آذر ماه ۱۳۸۹ نیز نو فیزیک دان مورد حمله تروریستی قرار گرفتند که در این ماجرا مجید شهریاری استاد فیزیک کشته شد. در کل این ماجراها دولت ایران و مراکز اطلاعاتی آنها انگشت اتهام را به سوی دولت اسرائیل اشاره رفته اند. اخیرا وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی اطلاعیه ای منتشر کرده است و از دستگیری عوامل ترور علی محمدی و کسب اطلاعات و کشف جریانات تروریستی که "سرشان به اسرائیل وصل است"، اشاره کرده است. در این مدت مقامات مختلف جمهوری اسلامی و روزنامه های رسمی آنها در مورد ترورها و تلاش آنها برای یافتن عاملین ترور سخن گفته اند. اخیرا هم برنامه پخش اعترافات یک نفر و ارتباط او با مراکز جاسوسی اسرائیل جهت ترور دانشمندان ایرانی را از رسانه های رسمی خود پخش کرده اند.

مستقل از صحت و سقم ادعاهای دولت ایران، مستقل از میزان دست داشتن مراکز جاسوسی اسرائیل در این ترورها، این اقدامات و ترورهای مکرر تعدادی فیزیک دان

صفحه ۲

امان کفا

یارانه ها، رشد صنعتی، پوپولیسم و کمونیسم



با اعلام تصمیم دولت احمدی نژاد مبنی بر برر دستور قرار گرفتن "طرح هدفمندی یارانه ها"، اقتصاددانان دولتی و غیر دولتی با آمار و ارقام به توضیح آن پرداختند و همزمان نیروهای انتظامی اظهار آمادگی در صورت هرگونه اعتراضی کردند. حضور چکمه پوشان و قمه زنان از پیش جهت هرگونه مقابله ای سازمان داده شد. از قبل واضح بود که

فاتح شیخ

"شورش نان" در تونس رئیس جمهور را فراری داد

بعد از ظهر امروز جمعه ۲۴ دی (۱۴ ژانویه) پس از چهار هفته اعتراضات گسترده علیه گرانی و بیکاری، رئیس جمهور تونس زین العابدین بن علی، ناچار به فرار شد. آخرین ضربه را امروز کارگران پلیتخت و مناطق اطراف، با یک اعتصاب دوساعته یکپارچه به دولت بن علی وارد آوردند. اعتصاب سمبلیک کارگران پلیتخت تونس به فراخوان "اتحادیه سراسری کار" تنها اتحادیه کارگری مجاز آن کشور برگزار شد و هدف از آن به زانو در آوردن دولت

سیف خدایاری

بحران جدید سرمایه داری و شورش گرسنگان

دوره جدید بحران مالی سرمایه داری که از دوسال پیش با فروریختن نیوارهای وال استریت شروع شده با اندکی تأخیر بر سر سفره های مردم نشست. افزایش جهانی قیمت غذا و وحشت از شورش گرسنگان، نیش سازمان ملل را باز کرده تا نسبت به روند افزایش شورش ها به

حزب حکمتیست

حمله به اردوگاه اشرف ۱۷۶ زخمی بر جای گذاشت

بنا به گزارش سازمان مجاهدین خلق و بعضی رسانه ها روز هفدهم دی ماه برابر با هفتم ژانویه ۲۰۱۱ عده ای به اردوگاه اشرف این سازمان واقع در عراق حمله کرده که بر اثر آن ۱۷۶ نفر از افراد داخل این اردوگاه زخمی شده اند. حمله کنندگان همچنین از مداوای مجروحان جلوگیری کرده و با استفاده از

صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!

حاصله برای سرمایه خصوصی، از اهداف استراتژیک بورژوازی در ایران بوده است. و امروز که امکان اجرای آن توسط دولت احمدی نژاد میسر گشته است، آنقدر تقدسی و مورد حمایت تمامی اقشار و جناح های سرمایه است که تمامی هم و غمشان حول رفع صفحه ۳

علیه احکام شنیع اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی بمیدان بیاییم!

صفحه ۲



روز گذشته رئیس جمهور بن علی برای خواباندن اعتراضات عمومی در تلویزیون ظاهر شد و وعده داد که تغییرات سیاسی معنی را در جهت کاهش خفقان و سانسور انجام میدهد، دولت بخشی از مایحتاج زندگی را ارزان میکند و به نیروهای دولتی دستور داده است از تیراندازی "ناموجه" به تظاهر کنندگان خودداری کنند. همچنین وعده داد که برای دور آتی انتخابات در صفحه ۲

این شاخص ۲۱۳ و ۵ دهم درصد در ژوئن ۲۰۰۸ بود که منجر به شورش هابی در مصر، هائیتی و کامرون شد که در آن زمان آتش آن شورش با ریختن خون ۴۰ نفر از معترضان در کامرون خاموش گشت. هر چند گزارش فلو با تأخیر چشمگیری منتشر می شود اما خود همین هشدار ناشی از وحشت دولتهای سرمایه داری از بروز شورش در نقاط مختلف جهان است. عبدالرضا عباسیان کارشناس اقتصادی فائو در تکمیل گزارش اعلام کرد که "ما داریم به قلمرو خطرناکی صفحه ۴

و استعفای بن علی بود.

این تحرکات گسترده هفدهم دسامبر با فرار خشم توده های کارگر و زحمتکش در اعتراض به مرگ جوان ۲۶ ساله بیکاری در شهر سیدی ابوزید شروع شد که پس از اتمام دانشگاه با فروش سبزیجات زندگی اش را تامین میکرد و در اعتراض به حمله پلیس به بساط دستفروشی اش خود را آتش زده بود. اعتراضات علیه بیکاری و فلاکت و گرانی در تونس که به "شورش نان" معروف شد، سرعیا به شهرهای دیگر گسترش یافت و هفته پیش به شهر "تونس" پلیتخت این کشور کشیده شد. طی این اعتراضات دهها نفر از تظاهر کنندگان توسط نیروهای سرکوبگر دولتی کشته شده اند.

دولت های متبوع هشدار دهد و آنها را برای مقابله با شورش ها فراخواند.

روز ۵ ژانویه سازمان جهانی خواروبار - فائو، با انتشار شاخص مواد غذایی که در برگیرنده ۵ قلم از اساسی ترین مواد غذایی شامل لبنیات، گوشت، غلات، شکر و روغن می باشد و اعلام افزایش آن شاخص از ۲۰۶ واحد در ماه نوامبر به ۲۱۴ و ۷ دهم درصد در دسامبر کشورهای متبوع را از افزایش قیمت جهانی غذا و شورش های احتمالی مطلع ساخت. بنا به گزارش فائو رکورد قبلی

مراسم بزرگداشت یدالله خسروشاهی!



صفحه ۴

بلندگو برای افراد داخل اردوگاه مجاهدین مزاحمت ایجاد کرده اند. شواهد نشان میدهد اوباشانی که روز هفدهم دی ماه به این اردوگاه حمله کرده ، با حمایت دولت نوری مالکی و در همدستی با سفارت جمهوری اسلامی به این اقدام دست زده اند. این حمله با چراغ

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ایران، اسرائیل و ...

ایرانی، عملی جنایتکارانه علیه شهروندان جامعه است. کسانی که در این ماجراها جان خود را از دست داده اند، قربانیان تروریسم دولتی بوده اند و دود این ترورها مستقیم به چشم مردم ایران خواهد رفت.

این تحركات تروریستی، از جانب اسرائیل یا هر دولت و جریان دیگر، عملاً در خدمت اشاعه ترور و ایجاد فضای تروریستی و علیه مردم ایران است. این ترورها دست تروریسم دولتی ایران و باندهای تروریستی را به خارج از مرزهای ایران باز میکند. دولت اسرائیل و ایران هر دو در جنایت و ترور شهروندان، در بمب گذاری و کشتار مردم و مخالفان خود، در کشتن فضای ترور و جنایت به کشورهای مختلف، از همدیگر سبقت میگیرند. ترور فیزیکیان ایرانی به هر بهانه و تحت هر نامی باشد، دود آن به چشم مردم ایران، به چشم مخالفین جمهوری اسلامی و کل اپوزیسیون ایران خواهد رفت.

تأثیرات این جنایات بر فضای ایران، چیزی جز ایجاد ترس و وحشت و ناامنی برای شهروندان جامعه نخواهد داشت. این ترورها بار دیگر به مراکز اطلاعاتی و دانشگاهها و سران رژیم امکان میدهد که به بهانه مبارزه با تروریسم، مخالفین سیاسی خود را با پرونده سازی به سرویسهای اطلاعاتی اسرائیل و آمریکا ربط دهند و بهانه برای جنایت و کشتار بیشتر بدست آنها دهد.

اطلاعیه وزارت اطلاعات ایران، خط و نشان کشتینهای آنها، قبل از هر چیز،

"شورش نان" در تونس ...

اما از نظر سیاسی هیچیک از احزاب اپوزیسیون از جمله جریان چپ موسوم به "حزب کارگران کمونیست تونس"، منافع طبقه کارگر را نمایندگی نمیکند. تحولات روزها و هفته های آتی نشان خواهد داد که نبردهای سیاسی و حنیب بورژوازی اولین رئیس جمهور آن کشور تا ۱۹۸۷ رئیس دولت بود و بن علی دومین رئیس جمهور آن کشور از زمان استقلال تا امروز است.

وعده های دیروز بن علی اعتراضات را فرو نداشتند. تظاهرات تمام شب ادامه یافت و امروز هم با اعتصاب کارگران و تجمع هزاران نفر در برابر وزارت کشور اوج جدیدی گرفت. سرانجام ساعت پنج بعد از ظهر به وقت محلی رئیس جمهور ناگزیر استعفا داد و تونس را با هوایمابوسی مالت و سپس پاریس ترک کرد. دولتهای مالت و فرانسه از قبول او خودداری کردند و مقصد بعدی احتمالی بن علی کشور عربستان سعودی است. با استعفای بن علی، نخست وزیر او محمد غوشی اختیارات ریاست جمهوری را بدست گرفته و احزاب اپوزیسیون را به مذاکره در روز شنبه برای تشکیل دولت "وحدت ملی" دعوت کرده است. اما اعتراضات و تجمعات گسترده ادامه دارد و سرنوشت دولت موقت غوشی و دولت "وحدت ملی" پیشنهادی او ناروشن است.

تونس یک کشور سرمایه داری نیمه صنعتی نیمه توریستی با بیش از ده میلیون جمعیت و با طبقه کارگر نسبتاً پرجمعیتی است. حضور اجتماعی کارگران در اعتراضات چهار هفته اخیر تونس گسترده بوده و بویژه با اعتصاب امروز نقش مهمی در تحولات سیاسی آن کشور داشته است.

تونس یک کشور سرمایه داری نیمه صنعتی نیمه توریستی با بیش از ده میلیون جمعیت و با طبقه کارگر نسبتاً پرجمعیتی است. حضور اجتماعی کارگران در اعتراضات چهار هفته اخیر تونس گسترده بوده و بویژه با اعتصاب امروز نقش مهمی در تحولات سیاسی آن کشور داشته است.

علیه احکام شیخ اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی

بمیدان بیائیم!

رژیم هار اسلامی سرمایه با گذشت بیش از سه دهه کماکان بعنوان ماشین کشتار و سلاخی کارگران و مردم آزادیخواه و حتی انسانهای عادی این جامعه عمل میکند. هنوز هزاران انسان در زندانهای مخوف این رژیم جنایتکار بسر میبرند و مورد آزار و شکنجه قرار میگیرند. ده ها نفر از انسانهای آزادیخواه و مخالفین سیاسی این رژیم در ماه های اخیر اعدام و تعداد زیادی در لیست اعدام قرار دارند. رهبران و فعالین کارگری، فعالین دانشجویی و حقوق مننی و زنان و وکلای مدافع آنان به "جرم" دفاع از انسانیت در پشت میله های زندان میباشند و تلاشهای

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیتست همگام با سایر نهادها و احزاب مختلف، ایرانیان خارج کشور را علیه توحش افسارگسیخته حاکم بر ایران و بمنظور فشار آوردن برای متوقف کردن احکام وحشیانه اعدام و تلاش برای آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی، به این اعتراض سراسری فرا میخواند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیتست همگام با سایر نهادها و احزاب مختلف، ایرانیان خارج کشور را علیه توحش افسارگسیخته حاکم بر ایران و بمنظور فشار آوردن برای متوقف کردن احکام وحشیانه اعدام و تلاش برای آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی، به این اعتراض سراسری فرا میخواند.

اعدام وسیله ای برای ارباب و به تمکین کشتادن میلیونی مردم، مخالفین سیاسی، معترضین به حکومت جنایتکاران سرمایه است. تاریخ اعدام، تاریخ قتل و جنایات طبقات حاکم برای حفاظت از جوامع طبقاتی، و برای مقابله با شورش بردگان آن است، که بنام قانون و "امنیت جامعه" صورت میگیرد. میلیونها کارگر و دانشجو و مردم به ستوه آمده و متشکل، قادر است این ماشین ارباب را از کار بیاندازد و

آزادی زندانیان سیاسی را تضمین کنند و احکام سبعا نه اعدام را ملغی کنند.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

اعدامها بلادرنگ باید متوقف گردند

زنده باد آزادی، برابری حکومت

کارگری

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیتست

۱۳ ژانویه ۲۰۱۱

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

یارانه ها، رشد صنعتی ...

موانع و هموار ساختن راهی است که امکان اجرای چنین طرحی را بی دردسترو کاملتر می سازد. و کل ماشین بورژوازی بدین جهت براه افتاد و احزابش نه فقط رک و پوستکنده نظراتشان را بیان می کنند، بلکه بازتاب همان سیاستها را نیز مرتباً در صفوف طبقه کارگر تبلیغ می کنند. به عبارتی دیگر، نمایندگان همین سیاست ها درون طبقه کارگر هم وجود دارند. و این از وظایف کمونیست هاست که با نقد دائمی این سیاست ها، پرده ساتری که بروی مصایب و قانونمندی های سرمایه کشیده اند را پس بزنند. از جمله این سیاست ها یافتن راه حل برای توانایی سرمایه در ایران جهت رقابت و راه نجاتی برای امکان قدرت رقابتی سرمایه در ایران است. احزاب نماینده بورژوا ناسیونالیست مشکل را در حضور کالاهای ارزان تر معرفی می کنند. برای این موعظه گران ایراد به دولت حول عدم جلوگیری از ورود این کالاهای ارزان است. دولتی "بی کیفیت و رانت خوار که از دلایلی و ورود اجناس چینی استفاده می برد،" و یا اینکه "دولت به حمایت از تولیدات داخلی نمی پردازد،" و از این دریچه است که با حذف یارانه ها مخالفت گویی که حتی بیکاری هم به علت ورشکستگی و عدم توانایی رقابتی سرمایه های داخلی با مثلاً سرمایه های چینی است. گویی که حتی بیکاری هم نه بنا بر نیاز سرمایه به خیل عظیم بیکاران آمده به کار، بلکه به علت ورشکستگی و عدم توانایی رقابتی سرمایه های داخلی با سرمایه های چینی است.

هم رکنی های این موعظه گران بورژوا ناسیونالیست در ایران، همان طرفداران رشد صنعت و پیشرفت اقتصادی هستند. از سخنوران سنتی این جنبش، سازمان فداییان خلق اکثریت است که هیئت سیاسی - اجرایی آن در اطلاعاتی اخیرش خطاب به "هم وطن و هم مین" مدعی است که "سامان دادن به یارانه ها امری است ضروری،" و عموماً مخالفت و نقضش، به این قانون و چگونگی اجرای آن است. این سازمان می گوید که "پرداخت یارانه ها از ابزارهای پیشرفت و توسعه پایدار است" و خواهان برخوردی "نظاممند" به آن است. برخوردی که طی آن "تغییر استراتژی صنعتی از تولید مونتاژی خودرو به استراتژی های کارآفرین، دانش محور در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی" می باشد. هدفی که با "جلب همدلی و همراهی مردم" و با "برنامه های پنج ساله" قرار است ممکن شود.

نارضایتی این جناح از بورژوازی در ایران از آنجاست که "پیامدهای منفی افزایش قیمت ها" بایستی کاسته شود و اجرای این طرح در این دوره

"بحرانی" و زمان "بحران هسته ای" نامناسب است و بایستی در دوران "ثبات اقتصادی" که همان دوران رونق سرمایه داری است انجام گیرد! در یک کلام برخوردی انتقادی و اپوزیسیونی و "هم دل" مردم جهت یافتن بهترین راه برای اجرای چنین طرح هایی اساس مخالفت "ریشه ای" آن با "هدفمند کردن" یارانه هاست. این دیگر واقعاً یک توهم است. سلاهست که سرمایه و سرمایه داری دولتی و آنچه که با نام دولت هایی رشد و رفاه نامیده می شد، سپری شده است. سالیان است که عدم توانایی این مدل در دنیا جای خود را به مدل اقتصاد بازار آزاد داده است. امری که فروپاشی دیوار برلین نقطه پایانی آن بود. با عدم توانایی رقابتی که سرمایه با رشد اقتصادی مبتنی بر اساس مدل "شرقی" دنبال می شد، سرمایه جهانی شیفت خود را به مدل بازار داد. این دوره سپری شده است.

فراتر از این، چنین ادعاهایی نه اسطوره ای، بلکه یک دروغ محض است. گویی اقتصاد ایران، اقتصاد نفتی است. ایران کشوری سرمایه داری است، نه به این خاطر که نیای ما دنیای سرمایه داری است، بلکه کاملاً به این اعتبار که تولید و بازتولید سرمایه در ایران سلاهست که بر این اساس انجام می گیرد. نفت و فروش آن برخلاف ادعاهای غیر منطقی اپوزیسیون "ضد دولتی ها" تنها منبع درآمد نیست. مختص کردن نفت و درآمد حاصله از آن برای این جریانات نیازی سیاسی است تا بتوانند دولت را "مافیایی، رانت خوار" و "هدر دهنده درآمد مردم" (گویی نفت و فروش آن درآمد مردم است!) معرفی کنند. این شگردی است برای اینکه سرمایه و بورژوازی در ایران را از چشمان کارگر جادوگرانه ناپدید کند.

در ایران سرمایه داری، اساس تولید و بازتولید ارزش اضافه و گردش سرمایه در عرصه های گوناگون است. چنین پیش فرضی را نمی شود در اقتصادی جستجو کرد که کل شریانش تنها در یک عرصه ("اقتصاد نفتی") می گردد. سرمایه و سرمایه داری در ایران به مراتب گسترده تر از این است. امری که باز هم با واقع در طی چند سال اخیر به وضوح قابل رویت است. هم کارگر ایرانی بنبال کار از عراق تا گینی جدید مشهورند و هم سرمایه داران ایرانی! سهم خواهی سرمایه در ایران، و مشخصاً بخش خصوصی و خواستش در داشتن جیگهای در بازار جهانی، گرچه از یکطرف به شدت مدیون جمهوری اسلامی سرمایه و مشخصاً دولت احمدی نژاد است، از طرفی دیگر نیز مدیون تغییر و تحولی است که در سطح بین المللی اتفاق افتاده است. سرمایه جهانی به سرکردگی آمریکا و مدل غربی دیگر نقش سابق خود را ندارد و برعکس حضور و

ادعای چین و روسیه فرجه ای را برای جمهوری اسلامی ایران باز کرده است. در یک کلام، بورژوازی ملی و مترقی اسطوره ای بیش نیست. و طرفداران صنعتی شدن برای گرفتن سهم بیشتری برای خود، می خواهند مصائب سرمایه را یکباره به گردن "دولت بیکیفیت و مخالف پیشرفت" بیاورند تا موقعیت خود و کل سرمایه، را مصون نگه دارند. در حقیقت همین غرض احزاب بورژوایی است که با پیچیدن هاله ای دور سرمایه، و حفاظت از تولید ارزش اضافه ای که از استثمار کارگرنسپیش می شود، به نفت آنچنان جیگهای در اقتصاد ایران میدهد که امنیت خود و موقعیت شان را در مقابل گورکنان این نظام تضمین کنند.

یکی دیگر از سیاست های بورژوازی فعال، پوپولیسم است. بخش دیگری از، اپوزیسیون دولت احمدی نژاد، با الفاظ چپ و خطاب به کارگران به نحوی دیگر سعی در متصل کردن "مضرات" این طرح به دولت فعلی اند، تا همچنان سرمایه را امن کنند. اینها چنین وانمود می کنند که گویی مردم سیاسی هستند، ولی کارگران به شدت غیر سیاسی و لذا از کارگران میخواهند به صفوف مردم معترض بپیوندند! در این سیاست، مردم در صحنه حضور دارند، و از اینکه فعالین کارگری اینجا و آنجا در موارد گوناگون اظهار نظر می کنند اظهار خوشوقتی می کنند! یکی از نمونه های تئوپیک این جریان، حزب کمونیست کارگری است. از خصصت های این اپوزیسیون پوپولیست در این است که طبقه کارگر را ایزاری برای اهدافش جلوه می دهد، سیاه لشگری برای دستیابی به ادعاهایش. در عمل کارکرد این پوپولیسم سکون و بی هویت ساختن طبقات و خصصت های طبقاتی است. گویی طبقه کارگر نه ناجی بشریت، بلکه تنها نیروی "کمک کننده" در پروسه به زیر کشیدن دولت جمهوری اسلامی است. همه چیز و همه چیز که در ایران اتفاق می افتد برای این است که دولت جمهوری اسلامی کمی بیشتر سر کار باشد و هر جدالی، جدال آخر است و "بالقوه برآمد یک انقلاب عظیم مردم"! در این سیاست طبقه کارگریک پارچه و "غیر سیاسی" معرفی می شود. بقول لنین اگر در جامعه کارگر با لباس کارگری و سرمایه دار با پوشاک گرانتیتمت براحتی در مقابل هم قرار می گرفتند، کار سیاسی که کاری نداشت. در ایران هم نظیر تمامی کشورهای سرمایه داری نیای امروز، طبقات و مبارزه طبقاتی براحتی مشهود است. متصور کردن دولت "مادام العمر در لبه پرتگاه سقوط" در مقابل "مردم همیشه انقلابی"، و نشان دادن دلمی چنین صحنه ای، آنچنان در چهارچوب ابرازات این پوپولیسم قوی است که طبقات و مشخصاً طبقه کارگر و تقابلش با سرمایه و سرمایه داری محو می

شود. در این میان تنها نقش "تعبین کننده" کارگر، در همراه شدنش با "مردم انقلابی" است. نه مردم، مردم یکبارچه هستند، و نه کارگر و طبقه کارگر. این ادعا غیر واقعی است. همانطور که بقول مارکس در اپیتولوژی آلمانی، "دولت فرمی است که در آن افراد طبقات حاکم منافع مشترکشان را ابراز و اعمال می کنند"، کل جمهوری اسلامی هم منفعی جدا و مجزا از سرمایه و سرمایه داری در ایران را ندارد. و به همین ترتیب، هر مقابله و اعتراضی به دولت هم، بیاتگر منافع کارگر و طبقه کارگر نیست. و پوپولیسم "انقلابی" با پوشاندن همین امر، فعالیت و مبارزات کمونیست ها را مسدود می کند.

در مقابل برای کمونیست ها و مشخصاً حزب کمونیستی اصل مسأله سازماندهی، یعنی همانا فراهم ساختن عامل ذهنی است که معیار است. به همین معنی، مسئله رابطه کمونیست ها و حزبشان با کارگر و طبقه کارگر است. برای کمونیست ها کارگر مترادف با فقیر و گرسنه و بی هیچ کارشان راهر ساعت و هر روز می فروشد. در ایران هم همچون دیگر کشورهای تحت سلطه، فرض بر تولید وسیع ارزش اضافی بالا، یا به عبارتی تولید مافوق سود است. در همین رابطه و بنا به خصصت جیگهای دولت ها در این کشورها، می تواند به حدی سیاسی بروز می کند که موقعیت این دولت ها را هدف قرار می دهد. به همین دلیل هم سرکوب عریان هر اعتراض کارگر یک وجهه ماهیتی دولت است، و هم نقش دولت در فراهم آوردن نیازهای سرمایه جهانی برای صدور سرمایه به این کشورها و تامین زانو صفته مافوق سود امپریالیستی. سوسپید ها به این معنی در کشورهای تحت سلطه در مقایسه با کشورهای متروپل از جایگاه بالاتری برخوردار است و همین بخشی از وجه مشترک دولت های کشورهای تحت سلطه بوده و هست. بر این اساس بایستی فعالیت کمونیستی و حزبی در رابطه با یارانه ها چنان باشد که در نتیجه اش کارگران متحد تر شوند و گامی جلو تر ببرند. اینکه سرمایه از نظر حقوقی چگونه خود را تنظیم می کند، برای کارگر نان و آب نمی شود. سهم خواهی کارگران از کل تولیدات خود در جامعه، اما، ممکن و امروز قابل دستیابی است. اینکه سوسپید می دهند یا نمی دهند، قیمت بالا می رود و یا به چه میزان، اینکه دولت امروز سرمایه موفق به پیشبرد این امر می شود و یا تا چه حد می شود، همگی از جمله مسأله ای است که کمونیست ها هم باید به آن بپردازند، ولیکن سؤال در مقابل ما کماکان پلرجاست. کارگر کمونیست چه کار باید در این جا انجام دهد. آن پرایتک انقلابی

بارانه ها، رشد صنعتی ...

کدام است؟ بقول مارکس "اوضاع دقیقاً به دست آدمیان تغییر میابد و این خود مری است که نیاز به تربیت دارد". راه مبارزه با تغییرات و فشارهایی که سرمایه در ایران با برداشتن سوسیدها دنبال می کند را نمی شود در "جلوگیری از اجرای" چنین طرحی خلاصه کرد، به هر حال این سرمایه است که قیمت گزاری می کند، تورم از اجزا این نظام است و راه مبارزه با آن همانا پراتیک انقلابی است. تاکتیک امروز کمونیستی، مسلماً خواست افزایش حداقل دستمزد متناسب با تورم، و تعیین آن توسط نمایندگان کارگران است. این امری است که در ایران امروز کاملاً ممکن است. دستیابی به این خواست مترادف با سقوط دولت نیست. اینکه در یک پروسه ای و در زمان معینی یک چنین امکانی ممکن است اتفاق بیافتد به هیچ عنوان به معنی یکی بودن آنها نیست. بر خلاف تصویری که پوپولیسم نمایان می کند، مترادف کردن افزایش حقوق و سقوط دولت، در حقیقت لوٹ کردن انقلاب کارگری و نیاز عاجل به همان عامل ذهنی است که برای کمونیست ها برای آن انقلاب حیاتی است. پوپولیستها همیشه در یکی کردن کارگران و منهدم کردن طبقه در "مردم" و کنار زدن همان سازمان و حزبی کارگری، و تحدید انقلاب کارگری به پایین کشیدن یک دولت، رجزخوانی کرده و می کنند. طبقه کارگر در ایران امروز می تواند خواست افزایش حقوق متناسب با تورم را متحقق کند. این امکان به این اندازه در مثلاً خرداد ۶۰ میسر نبود. در اسفند ماه امسال سرمایه داران و دولتشان نباید اجازه یابند که از قدرت خرید کارگران بکاهند. تضمین این امر، و یا حداقل آسان ترین راه برچین تضمینی، همانا تشکل کارگری است. خواست آزادی بی چون و چرای حق تشکل به همین اندازه اهمیت چند برابر در این دوره دارد. بایستی قبول کرد که جنبش کارگری ایران در حال حاضر این توانایی را دارد که برای تحقق این خواست ها دست بکار شود. سازمان دهی این امر و متشکل شدن برای کارگران وظیفه عاجل امروز است.

حمله به اردوگاه اشرف ...

آنها قویا محکوم میکند و دولت عراق را در همدستی با جمهوری اسلامی ایران شریک جرائم ضد بشری این حکومت میداند. ما از سازمانهای اپوزیسیون و همه کسانی که با جمهوری اسلامی در مبارزه اند، میخواهیم صرف نظر از اختلاف سیاسی خود با سازمان مجاهدین خلق، این تعرض را محکوم کنند و از دولت عراق بخواهند که به فشار و تضيیقات

بحران جدید سرمایه داری و ...

وارد می شویم" و با در نظر گرفتن بحران مالی جهانی و کاهش محصولات کشاورزی در اثر حوادث طبیعی این روند را طبیعی دانست و افزود "ما هیچ نوری در انتهای تونل مشاهده نمی کنیم".

بنون شک چیزی که منجر به گشودن نیش سازمان ملل شده است نه تهدید جان انسانها به خاطر فقر و گرسنگی، چیزی که در سیستم سرمایه داری فرض گرفته شده است، بلکه طغیان و شورش گرسنگان علیه دولتهای سرمایه داری است. سپتامبر گذشته افزایش ۳۰ درصدی قیمت نان در موزامبیک و شورش های ناشی از آن جان ۱۳ نفر از معترضان را گرفت. شورش های جدید گرسنگان از یک ماه قبل در تونس شروع شده است. روز ۱۷ دسامبر گذشته در یکی از شهرهای تونس جوان تحصیل کرده و بیکاری مورد تعرض نیروهای پلیس قرار گرفت چرا که بدون کسب مجوز، سبزی و میوه می فروخت. جوان خشمگین با به آتش کشیدن تن خود انزجار و نفرتش از دولت که نقشی جز سرکوب مردم ندارد را نشان داد. در پی این واقعه و در اعتراض به گرانی و بیکاری شورش های پی در پی به شهرهای بزرگ تونس کشیده شده که تاکنون دستکم منجر به قتل ۲۳ نفر توسط نیروهای سرکوبگر شده است. دامنه شورش های تونس به الجزایر نیز کشیده شده است. مردم پایتخت الجزایر با حمله به انبار مواد غذایی، مرکز پلیس و آتش زدن خودرو نیروهای سرکوبگر علیه بیکاری و افزایش قیمت ها اقدام به شورش کرده اند.

تورم مواد غذایی در انگلستان نیز قضیه ای جدی است به گونه ای که از ۱ و ۹ دهم درصد در ماه ژوئن گذشته به ۵،۵ درصد در نوامبر رسیده و پیش بینی می شود این میزان از تورم تا تابستان سال جاری به ۱۰ درصد برسد. بنا به گزارشات افزایش قیمت گندم در سال گذشته در اروپا به میزان ۱۰۰ درصد، ذرت به میزان ۵۰ درصد و سویا به میزان ۳۰ درصد، شوک جدیدی به قیمت مواد غذایی وارد خواهد کرد.

در ایران نیز افزایش ۳۰۰ تا ۴۰۰

درصدی قیمت نان و افزایش سایر هزینه های زندگی علیرغم پایین آوردن تب اقتصادی جامعه با مسکن یارانه نقدی تلاشی برای زنده نگهداشتن انسانها در دل بحران جهانی و تلاش ایران برای باز کردن دست بازار است. نظام سرمایه داری با دولت های موجود و در اختیار داشتن پلیس و زندان و ارتش و سازمان ملل در نقش کارشناس و محلل، تمام تلاش خود را به کار می گیرند تا عبور از این بحران را بر جنازه های مردگان ناشی از گرسنگی و اجساد شورشیان به سرانجام برسانند. شورش گرسنگان در تونس و الجزایر که از کشورهای در حال توسعه و دارای ثبات اقتصادی نسبی می باشند، دوره جدیدی از مبارزه طبقاتی را نوید می دهد. مبارزه ای که نه برای احقاق حقوق فرمالیته و کدایی مانند "رای من" یا انتخاب فلان و بهمان مترسک سیاسی بلکه برای سیر کردن شکم خود شروع شده است و میدان تعرض به دولت سرمایه داران را نه در فضای رسانه ها و نیای مجازی بلکه بر زمین سفت واقعیت شروع کرده اند. در کشور بولیوی طرح افزایش ۷۰ درصدی قیمت سوخت با اعتراض طبقه کارگر و اعتصاب بخش حمل و نقل و نتایجی ها مواجه شد و طبقه کارگر این کشور توانست یک عقب نشینی قابل ملاحظه به دولت تحمیل کند و قیمت سوخت به روال قبلی خود برگردد.

آنچه تحت نام بحران مواد غذایی با توجیه های سرمایه دارانه و کارشناسانه! مانند افت تولید بر اثر حوادث طبیعی به خورد اذهان مردم داده می شود فریبی بیش نیست. منابع کنونی جهان ظرفیت تولید مواد غذایی به میزان ۵ برابر جمعیت کنونی کره زمین را دارد. حقیقت نظام سرمایه داری سود و انباشت ثروتی است که قسمت اعظم آن صرف دستگاه تحمیق مردم مانند سازمان ملل و دستگاههای سرکوب مانند پلیس و ارتش در همه کشورهای جهان می شود. طبقه کارگر باید برای پایین کشیدن این بساط آگاهانه تر و متحدانه تر از هر دوره ای به میدان بیاید. به سرانجام رساندن شورش گرسنگان در خدمت آنها و تامین زندگی انسانی و تضمین موفقیت این شورشهای برحق، در گرو اتحاد و سازمانیابی طبقه کارگر زیر پرچمی رادیکال و سوسیالیستی است.

کرد که برای چنین مواردی وعده آن را میدهند. از طرف دیگر تا زمانی که اعضای مجاهدین و خانواده های آنها در اردوگاه اشرف و در عراق بسر میبرند، نه تنها امنیت و آزار آنها توسط عوامل خود آن دولت محکوم است، بلکه دولت عراق و دم و دستگاههای مربوطه اش مسئول تامین امنیت و زندگی آنها در عراق هستند.

بزرگداشت یدالله

خسروشاهی!

مراسم سالگرد درگذشت یدالله خسرو شاهی: نزدیک به یک سال از درگذشت ناگهانی همسر و پدر عزیزمان یدالله خسرو شاهی می گذرد. او در ۴ فوریه ۲۰۱۰ به ناگهان دیده از جهان فرو بست. او رفت بی آنکه ترک مان کرده باشد؛ در همه ی این مدت، در روز های بلند انوشه، در خاطره ها و یاد ها، در گرد هم آمدن ها و در تهنیتی ها با ما بوده است. او با ما بوده است بی آنکه بتوانیم جای خالی اش را انکار کنیم و افسوس نکویم. ما خوب آگاهی که دوستان و آشنایان و همه ی فعالین کارگری که او را از دور و نزدیک می شناختند نیز جای خالی او را بار ها و بار ها حس کرده اند و به او اندیشیده اند. او فرزند کار بود و تا آخرین روز زندگی اش به خود و به طبقه ای که به آن تعلق داشت وفادار ماند. زندگی اش در راه مبارزه برای بهبود وضع کارگران گذشت و فقر، استثمار، سرکوب و بی حقوقی کارگران را بر نمی تافت. جهان دیگر و بهتری را ممکن می دانست و تا پایان عمر خویش برای آن مبارزه کرد.

در سالگرد درگذشت او در کنار شما دوستان و آشنایان، فعالین کارگری، سوسیالیستی و آزادی خواه گرد هم می یابیم تا یاد و خاطره او را گرامی بداریم و پیونده ی راهش بایتم.

همسر، فرزندان و دوستان یدالله خسروشاهی

۱۳/۰۱/۲۰۱۱

زمان مراسم: ساعت ۶-۲،۳۰ بعد از ظهر روز شنبه ۵ فوریه ۲۰۱۱

مکان مراسم: The Meritage Centre, Church End, Hendon London Nw4 4JT

نزدیکترین ایستگاه قطار: Hendon Central

نشریه حزب کمونیست

کلگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید